یادداشت میهمان

پیامدهای انتخابات میاندوره‌ای آمریکا!

۱- دموکرات‌ها با وجود تلاش‌ها و تبلیغات فراوان و حتی به میدان آوردن اوباما که اقدامی کم‌نظیر در تاریخ انتخابات آمریکا محسوب می‌شد، نتوانستند به نتایج دلخواه خود برسند چراکه پیروزی دموکرات‌ها در مجلس نمایندگان در لب مرز قرار دارد و در به‌دست گرفتن اکثریت سنا نیز شکست خوردند و جمهوری خواهان همچنان اکثریت سنا را حفظ کردند. براساس ارزیابی تحلیلگران و کارشناسان بین‌المللی سال ۲۰۱۸، دموکرات‌ها با نامطلوب‌ترین سنا از زمان تاسیس این حزب مواجه بودند بطوریکه در برخی از کرسی‌ها مثل ویرجینیای غربی که به‌طور سنتی متعلق به دموکرات‌ها بود و ترامپ در انتخابات سال ۲۰۱۶ توانسته بود پیروزی قاطعی به‌دست آورد دموکرات‌ها با مشکل مواجه بودند. از سوی دیگر در ۲۱ بار انتخابات میاندوره‌ای که از سال ۱۹۳۴ تاکنون در آمریکا برگزار شده است، حزب وابسته به رئیس جمهور فقط ۳ بار در مجلس نمایندگان و شش بار در سنا به اکثریت دست یافته است.یکی از این موارد انتخابات هفته گذشته بود که جمهوری‌خواهان در سنا اکثریت را بدست آوردند و شکست آنها در مجلس نمایندگان هم اتفاق غیرطبیعی و دور از انتظار نبود. جمهوری‌خواهان همچنین توانستند در انتخابات فرمانداری‌ها با پیروزی در ۲۵ ایالت از دموکرات‌ها پیشی بگیرند. لذا در مجموع دموکرات‌ها با اختلاف کمی در مجلس نمایندگان به اکثریت شکننده‌ای دست یافتند که اتفاق چندان بزرگی محسوب نمی‌شود و اگر اختلاف کرسی‌های آنها با جمهوری خواهان به چهل تا چهل و پنج کرسی می‌رسید می‌توانست هم پیام بسیار بدی به بازارها منتقل کند و هم پیام سیاسی تاثیرگذاری بر سیاست‌های آمریکا تلقی شود.

۲- موضوع ایران در آمریکا از جهات مختلف به مسئله ای حزبی و دوقطبی تبدیل شده است، اما در این موضوع یک اجماع دوحزبی وجود دارد و هر دو حزب جمهوری خواه و دموکرات در برخورد با ایران متفق‌القول هستند، هرچند ممکن است جمهوری خواهان با دست چدنی و دموکرات‌ها با دستکش مخملی روی دست چدنی با ایران برخورد کنند. نکته مهم در حزبی و دو قطبی شدن موضوع ایران در آمریکا نیز نه از این جهت است که یکی طرفدار برخورد و دیگری طرفدار نرمش با ایران است بلکه شدت دوقطبی بودن موضوع ایران در آمریکا در این است که هرکدام از دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات تلاش دارند در فشار آوردن بر ایران از دیگری سبقت بگیرد و به افکارعمومی داخلی و جهان القا کنند که این ما در پی تسلیم کردن ایران هستیم!. کما اینکه تمام تحریم‌های آمریکا علیه ایران در موضوعات مختلف هسته‌ای، تروریسم، برنامه موشکی، نقض حقوق بشر و مسائل منطقه از پشتوانه مصوبات کنگره و رای نمایندگان دو حزب برخوردار است. نمونه آشکار تحریم‌های ISA و کاتسا است که با اجماع نمایندگان و سناتورهای هر دو حزب دمکرات و جمهوری‌خواه در کنگره به تصویب رسید. لذا اولا نتایج انتخابات آمریکا چه میاندوره‌ای و چه ریاست‌جمهوری تاثیر چندانی بر روابط با ایران و نحوه برخورد این کشور با جمهوری اسلامی نخواهد داشت و از سوی دیگر در چنین شرایطی غیرممکن است یک رئیس‌جمهور در آمریکا بتواند تحریم‌های دو حزبی اعمال شده علیه ایران را تعلیق و یا لغو نماید و آنچه در برجام و فرجام آن شاهد بودیم مصداق این سخن است. ثالثا آنچه که دموکرات‌ها در افکار عمومی داخلی آمریکا و لیبرال‌ها در افکار عمومی داخلی ایران القاء میکنند که دولت ایران باید صبر کند تا دولت جدیدی در آمریکا روی کار بیاید و برجام را نجات دهد و به منافعی برسد! دروغی بیش نیست و سناریویی در جهت انحراف افکارعمومی و بهره‌برداری‌های سیاسی حزبی و جناحی است.بنابراین واقعیت سیاسی آمریکا این است که هر کسی که در ژانویه ۲۰۲۰ یا ۲۰۲۴ به کاخ سفید راه یابد، همچنان با حمایت کنگره مقابله با ایران را چه در زمینه هسته‌ای و چه مسائل دفاعی و منطقه‌ای در پیش خواهد گرفت. مارک دوبویتز رئیس «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» در اندیشکده آمریکایی بنیاد هریتیج اذعان می‌کند «این هشداری است هم برای رئیس جمهور آتی آمریکا و هم برای مقامات ایران که فکر می‌کنند می‌توانند صبر کنند تا دوره ترامپ به پایان برسد و رئیس جمهور جدید آمریکا انعطاف‌پذیر باشد و تحریم‌ها را بردارد. این توهم است که رئیس جمهور آینده از ابزارهای قدرت ملی آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران استفاده نخواهد کرد. راهبرد انتظار یک راهبرد بد برای ایران است». رابعا نکته مهم این است دموکرات‌ها که با اعمال تحریم‌ها از سوی ترامپ مخالفت میکنند نه بخاطر چشم و ابروی ایران و یا این جناح و آن جناح است بلکه به‌دلیل این است که معتقدند اولا تحریم‌ها از سوی آنها باید اعمال شود و اگر نتیجه‌ای در برداشته باشد به اسم آنها ثبت شود، کما اینکه بیشترین و شدیدترین تحریم‌ها علیه ایران و از ۳۴ مورد ۲۳ مورد از سوی دموکرات‌ها علیه ملت ایران اعمال و اجرایی شده است. ثانیا دموکرات‌ها معتقدند اعمال تحریم‌ها به این شکل موجب تقویت اتحاد و انسجام ملت ایران و کاهش فضای مانور جناح‌های سیاسی روی اختلاف‌ها و دعواهای حزبی خواهد شد و از این جهت راه نفوذ و بهره‌برداری آمریکا برای رسیدن به اهدافش در بستر اختلافات را خواهد بست. دموکرات‌ها معتقدند باید علاوه بر چماق، هویج را هم نشان داد، اما هیچگاه هویج را نباید داد بلکه هنگامی که ایرانی‌ها احساس کردند هویج را می‌توانند دریافت کنند، چماق را فرود آوردا. پاتریک کلاوسون مدیر «ابتکار امنیت ایران» در «مؤسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک» در اندیشکده بنیاد هریتیج اذعان می‌کند «جناح‌ها در ایران وقت و انرژی خود را بیشتر صرف انتقاد از یکدیگر کرده‌اند اما تحریم‌ها می‌تواند این روند را متوقف کند. چالش‌هایی که ما برای مؤثر کردن سیاست‌های تحریمی خود و مجبور کردن ایران برای تغییر رفتارش، با آن روبه‌رو هستیم شناخت فضای سیاسی دشوار داخل ایران است؛ در ایران جناح‌های سیاسی‌ای وجود دارد که خود را به حفظ نظام جمهوری اسلامی متعهد می دانند که باید روی اختلاف‌های آنها دست گذاشت».

۳- در زیر پوست انتخابات میان دوره‌ای آمریکا، نتیجه هر چه بود، علاوه بر شکاف‌های اجتماعی مثل فقر و فساد و سیاست‌های نژادپرستانه، شکاف‌ها و اختلاف‌های بین حزبی و درون حزبی نیز، هم عمیق‌تر و هم آشکارتر شد. در این انتخابات از یک سو شاهد به اوج رسیدن تنش‌های سیاسی و شکاف‌ها بین دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان و از سوی دیگر اختلاف‌های درون حزبی هم بین جمهوری‌خواهان و هم بین دموکرات‌ها بودیم. این نشان می‌دهد تا انتخابات آینده ریاست‌جمهوری اوضاع سیاسی داخلی آمریکا بحرانی‌تر از گذشته خواهد شد. اگر در این مجال از اختلاف‌های جمهوری خواهان و دموکرات‌ها و اختلاف‌های درون حزبی جمهوری‌خواهان به‌علت عملکرد ترامپ فاکتور بگیریم، آنچه مهم است اینکه دموکرات‌ها با تشدید و آشکار شدن اختلاف‌های درون حزبی‌شان، نمیدانند و نتوانسته‌اند در مقابل رئیس‌جمهور تاجر مسلک و ماهر در لفاظی رویکردی واحد اتخاذ کنند. این سردرگمی در شاخه لیبرال و ترقی‌خواه حزب نوعی احساس سرخوردگی ایجاد کرده و آنها در برابر این خط مشی نهادهای رهبری حزب خواستار گفتمانی انتقادی‌تر هستند. از سوی دیگر دموکرات‌ها که اکثریت شکننده مجلس نمایندگان را به‌دست آوردند در برابر چالش استیضاح و مهار ترامپ هم سردرگم، هم بیمناک و هم ناتوان هستند. لذا دموکرات‌ها از اهرم قدرتمندی در برابر سیاست‌های ترامپ برخوردار نیستند و همان‌گونه که در سال ۲۰۰۶ علی‌رغم به‌دست گرفتن اکثریت هم مجلس نمایندگان و هم سنا، نتوانستند بوش را مجبور و ملزم به خروج از عراق کنند، اکنون نیز با چالش ناتوانی مهار ترامپ روبه‌رو هستند. برهمین اساس سی ان ان تاکید می‌کند «نتیجه انتخابات کنگره شاید بتواند به معنای کلید خوردن طرح استیضاح ترامپ در مجلس نمایندگان باشد اما در سنا متوقف می‌شود و از این جهت واشنگتن در مخمصه‌ای سیاسی گرفتار خواهد شد». براین اساس همان‌گونه که در گذشته به‌علت اختلافات داخلی شاهد تعطیلی دولت آمریکا بودیم، در آینده نیز با ترکیب فعلی مجلس نمایندگان و سنا، آنچه که مورد نظر دموکرات‌ها باشد پس از تصویب در مجلس نمایندگان با سد سنا مواجه خواهد شد و آنچه مدنظر جمهوری‌خواهان باشد هیچگاه از سد مجلس نمایندگان نمی‌تواند بگذرد. لذا تعطیلی دوباره دولت آمریکا از هم اکنون قابل پیش‌بینی است و این موضوع خود تاثیر مهمی بر سیاست‌ها و وجهه خارجی آمریکا خواهد گذاشت و بر روند افول قدرت و تاثیرگذاری این کشور بر معادلات و مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای خواهد افزود.

دکتر محمدحسین محترم

نیویورک‌تایمز فاش کرد

همکاری ۲ میلیارد دلاری عربستان و یک شرکت آمریکایی برای ترور و ضربه به اقتصاد ایران

یک روزنامه آمریکایی فاش کرد، برخی مقامات اطلاعاتی نزدیک به ولیعهد عربستان سعودی سال گذشته از گروه کوچکی از تجار خواسته بودند تا از شرکت‌های آنها برای ترور مقامات ارشد ایرانی استفاده کنند.

این مطلب را نیویورک‌تایمز به نقل از سه منبع آشنا با مباحث صورت گرفته بین سعودی‌ها و تجار مزبور گزارش داده است. به نوشته این روزنامه آمریکایی، این مباحث نشان می‌دهند که بن‌سلمان از حدود یک سال قبل از قتل جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار منتقد، در پی این ترورها بوده است.

مقامات سعودی مرگ خاشقجی را به مقامی نسبت داده‌اند که برکنار شده اما احمد العسیری، در دیداری که در مارس ۲۰۱۷ برگزار شده و در آن ۲ میلیارد دلار به خرابکاری در اقتصاد ایران اختصاص داده شده است، حضور داشته است. این دیدار در ریاض و با حضور برخی تجار صورت گرفته است.

در جریان بحث و در حالی که تجار مزبور تلاش می‌کرده‌اند بودجه لازم برای طرح خرابکارانه خود را از سعودی‌ها بگیرند، برخی دستیاران ارشد العسیری خواستار ترور سردار قاسم سلیمانی به عنوان دشمن پادشاهی سعودی شده‌اند.

این بازرگانان که پیشینه اطلاعاتی نیز داشته‌اند، طرح خرابکاری در اقتصاد ایران را از یک‌سو سودآور و از سوی دیگر راهی برای فلج کردن کشوری می‌دانستند که هم از سوی آنها و هم از سوی سعودی‌ها تهدیدی جدی تلقی می‌شد. «جورج نادر»، تاجر آمریکایی – لبنانی، کسی است که این دیدار را ترتیب داده بود. او پیش‌تر با محمد بن سلمان دیدار کرده بود و طرح خود برای ایران را با کاخ سفید نیز مطرح کرده بود. فرد دیگر حاضر در جلسه «جوئل زامل» نام دارد، یک صهیونیست که ارتباط عمیقی با آژانس‌های اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی دارد.

در جریان نشست مارس ۲۰۱۷، و پس از آنکه سعودی‌ها درخصوص عملیات قتل ایرانی‌ها تقاضا می‌کنند، نادر، یک شرکت انگلیسی را برای انجام این عملیات تروریستی پیشنهاد می‌دهد، نام شرکت مشخص نیست. این شرکت توسط نیروهای ویژه سابق انگلیسی اداره می‌شود.

جورج نادر، مشاور ولیعهد امارات عربی متحده است و به نوشته نیویورک تایمز، ایران را تهدیدی برای ثبات منطقه می‌داند. طرح او برای خرابکاری در اقتصاد ایران، به سال ۲۰۱۶ بازمی‌گردد.

نادر و زامل طرح خود را با ژنرال العسیری در هتلی در نیویورک مطرح کرده بودند که سعودی‌ها آن را بدوا طرحی تحریک‌آمیز یافتند که باید به تائید دولت ترامپ برسد، پیش از آنکه آنها بخواهند هزینه‌ای درباره آن صورت دهند. پس از ژانویه ۲۰۱۷ که دونالد ترامپ وارد کاخ سفید شد، نادر بارها در جلساتی با کاخ سفید طرح خود را مورد بحث قرار داد.

کارگروه FATF الان دقیقا کجاست؟

روزنامه آمریکایی در حالی از تروریسم دولتی سعودی‌ها علیه ایران پرده برمی‌دارد که این کشور عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل و عضو ناظر کارگروه مالی FATF است. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که این کارگروه که ادعا می‌شود با هدف شفافیت مالی و مقابله با تامین مالی تروریسم تشکیل شده، کجاست که عضو ناظرش برای خرابکاری اقتصادی و ترور مقامات ایرانی بودجه اختصاص می‌دهد؟

چندی پیش هم نیروهای امنیتی این کشور یک منتقد را در ترکیه ساطوری و گم و گور کرده‌اند. ترامپ گفته اگر ثابت شود، عربستان را مجازات می‌کنیم. این یعنی اینکه گاو سعودی به اندازه کافی شیر نداده و باید دوبله و سوبله دوشیده شود. رژیم سعودی چند یا چندده میلیارد دلار رشوه به آمریکا و یکی دو دولت دیگر می‌دهد و پرونده بسته می‌شود؛ همان‌گونه که نسل‌کشی علیه مردم مظلوم یمن و کشتار ده‌ها هزار زن و کودک بیگناه با پول شسته شده است.

آمریکا رئیس FATF است و اسرائیل و عربستان عضو ناظر هستند. اینجا کازینوی مافیای جنایت و تروریسم و آدم‌ربایی سازمان یافته در دنیاست که با پول می‌شود جنایت کرد و آثار خونین جنایت را شست؛

عربستان حتی مدتی هم سعد حریری نخست‌وزیر بیچاره لبنان را با فریب به ریاض کشاند و او را گروگان گرفت و مورد ضرب و شتم قرار داد تا تصویری جدید از آدم‌ربایی و گروگانگیری دولتی به نمایش بگذارد. عربستان کلکسیون جرائم سازمان یافته است؛ اگر چشمان کور FATF قادر به دیدن باشد.

حقیقتا باید آنهایی را که با وجود مشاهده این صحنه‌های متعفن می‌گویند FATF «مرکز شفافیت و سلامت مالی» و «مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم» در دنیاست، نزد روانشناس و روانپزشک برد تا بررسی کنند این طیف، دچار کدام عارضه مغزی یا روانی هستند که نمی‌خواهند واقعیت بالماسکه FATF را ببینند.

متهم کردن رقبا به‌جای مقابله با تروریسم دولتی سعودی

نکته تاسف‌آور اینکه مقامات دولتی که طی ماههای اخیر تلاش مجدانه‌ای برای تحمیل لوایح مرتبط FATF به امنیت و اقتصاد کشور کرده‌اند، منفعلانه چشم خود را به روی دشمنی‌های علنی و آشکار سعودی علیه کشورمان بسته و هر اتفاقی در داخل کشور را به رقبا نسبت داده و به دعوای داخلی نسبت می‌دهند.

روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز در حالی گزارش می‌دهد که عربستان با بودجه ۲ میلیارد دلاری طرح خرابکاری و فلج‌سازی اقتصاد ایران را از سال گذشته آغاز کرده که در حوادث دی ماه سال گذشته اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور در واکنشی عجیب آشوب‌ها را به جناح رقیب نسبت داد و گفت: «کسانی این مسائل را بهانه کرده‌اند و بانی حوادثی شده‌اند که ابعاد و زوایای دیگری دارد و باید بدانند دود این حوادث به چشم خود آنها خواهد رفت چرا که وقتی جریان اجتماعی ایجاد شد و به سطح خیابان رسید قطعا کسانی که آن را شروع کرده‌اند کنترل‌کننده آن نخواهند بود و دیگران سوار بر آن موج خواهند شد.»

خبر ویژه

انتخاب: اصلاح‌طلبان بر لبه پرتگاه قرار گرفته‌اند

یک سایت اصلاح‌طلب هشدار داد اصلاح‌طلبان به خاطر کارنامه بد خود بر لبه پرتگاه سقوط قرار گرفته‌اند.

«انتخاب» که به محسن هاشمی گرایش دارد، می‌نویسد: در شورای شهر تهران، هر ۲۱ کرسی در اختیار اصلاح‌طلبان است. در این شرایط طبیعی است که هیچ بهانه دیگری از این جریان برای کوتاهی در امور مدیریت شهری وجود ندارد.

با وجود این حساسیت‌ها، اخبار خوشی از درون شورا به گوش نمی‌رسد. در ماجرای انتخاب شهردار جدید، رقابت‌های حزبی درون جناحی به شکل مخرب آن بالا گرفته. برخی که خود را تمام و کمال صاحب حق می‌دانند و حاضر نیستند ذره‌ای از خواسته خود کوتاه بیایند؛ حتی تحت هیچ شرایطی حضور یک اصولگرا در شورای ۲۱ نفره را هم تحمل نمی‌کنند. نتیجه این تنش آن شده که در نهایت از میان ۵ گزینه نهایی شهرداری، افرادی وجود داشته باشند که هرگز در حد و اندازه‌های شهرداری نیستند.

این اتفاق در اردیبهشت ماه امسال برای انتخاب جایگزین محمدعلی نجفی هم رخ داد و یکی از دو گزینه نهایی، در نهایت فقط یک رای به دست آورد که نشان از نحوه بالا آمدن و انتخاب او داشت. ریشه این اتفاقات در یک تفکر نادرست است. برخی جریانات اصلاح‌طلبی، برای لاپوشانی تمامیت‌خواهی خود، پشت یک گزاره نادرست سنگر گرفته‌اند و آن اینکه هر ۲۱ عضو شورای شهر باید اصلاح‌طلب بمانند!

دسته‌ای از اصلاح‌طلبان، همه سهم موفقیت‌های انتخاباتی را به نام «تکرار» خاتمی نوشتند. آنها با تحلیل‌های غلط خود رفته رفته، دیگر عوامل اصلی موفقیت در چند انتخابات اخیر را فراموش کردند. این افراد سهم ویژه آیت‌الله هاشمی و نقش بی‌بدیل او در یکپارچگی اصلاح‌طلبان و اعتدالگرایان، اتفاقات سیاسی رخ داده در آن سال‌ها و نیز عقلانیت به کار رفته در ائتلاف اصلاحات – اعتدال را نادیده گرفتند.

این تفکر وقتی خطرناک‌تر می‌شود که این دسته از اصلاح‌طلبان تصور می‌کنند در هر زمان و مکانی، خاتمی «تکرار» کند، مردم هم لیست را «تکرار» می‌کنند.

در حالی که تاریخ – آن هم نه زمان‌های دور بلکه همین تاریخ متاخر – به خوبی نمایانگر اشتباه راهبردی این افراد است. خاتمی در سال ۸۰ و در اوج محبوبیت خود ۲۲ میلیون رای از مردم گرفت. اما یک سال بعد در سال ۸۰ لیست‌های منسوب به او در انتخابات شورا ناکام ماندند و یک تجربه تلخ تاریخی برای اصلاح‌طلبان رقم خورد. این شکست در سال ۸۴ هم تکرار شد و در حالی که مصطفی معین، نزدیک‌ترین کاندیدا به خاتمی تصور می‌شد، او با حدود ۴ میلیون رای، نفر پنجم انتخابات شد.

نیازی نیست راه دوری برویم؛ خود خاتمی در سال ۹۲ و همزمان با انتخابات ریاست جمهوری هم با لیست اصلاح‌طلبان برای شورای شهر تهران، عکس یادگاری گرفت و پشت آنها ایستاد. اما این لیست کمتر از نیمی از کرسی‌های شورا را به دست آورد و نتوانست اکثریت پارلمان شهری را تصاحب کند.

گویا دسته‌ای از اصلاح‌طلبان تمامیت‌خواه، منافع حزبی خود را به مصلحت مردم ترجیح داده‌اند.

شیوع این تفکر خطرناک و ادامه باندبازی و سهم‌خواهی و تمامیت‌خواهی در میان برخی اصلاح‌طلبان قطعاً سم مهلکی است.

اعتراف ماکرون به تقسیم کار با ترامپ درباره برجام

رئیس‌جمهور فرانسه می‌گوید آمریکا پذیرفته است دیگر کشورها در توافق با ایران(برجام) باقی بمانند.

امانوئل ماکرون در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان و در پاسخ این سوال که آیا اروپا خواهان جایگزینی یورو به جای دلار در پاسخ به خروج آمریکا از توافق هسته‌ای ایران است؟ گفت: فکر می‌کنم امروز یورو جایگزین چندان مناسبی برای دلار نیست، چرا که در واقع یک امر فرامرزی بین‌المللی برای دلار وجود دارد و ما اروپایی‌ها در تقویت یورو در برابر دلار ناکام ماندیم، البته در این زمینه اقدامات مهمی انجام داده‌ایم اما همچنان ناکافی است.

رئیس‌جمهوری فرانسه گفت: با این حال من از نزدیک سرگرم گفت‌وگو با موسسات مالی در سطح اروپا و دیگر همتایان خود هستم تا ظرفیتی را به وجود آوریم که وابستگی هرچه کمتری به دلار داشته باشیم.

ماکرون افزود: فکر می‌کنم برای نظم و ثبات اقتصاد جهانی شما نیازمند یک پول قوی مانند دلار و همچنین جایگزینی برای آن همچون یورو هستید.

وی همچنین گفت رئیس‌جمهور آمریکا پذیرفت که دیگر کشورها در توافق هسته‌ای با ایران بمانند.

اظهارات ماکرون، موید سخنان ۵ سال پیش روحانی است که گفته بود اروپایی‌ها(نسبت به آمریکا) آقا اجازه هستند.

از سوی دیگر همین سخنان ماکرون تایید می‌کند که خروج آمریکا از برجام و ماندن ۳ کشور اروپایی در برجام برای پایبند نگه داشتن ایران به تعهدات یکطرفه در ازای وعده نسیه، تقسیم کار مشترک میان آمریکا و اروپاست و اروپا قصد ندارد با آمریکا بر سر تحریم‌های ایران درگیر شود.

خبر «انتخاب» از بازیچه شدن شورای شهر در خدمت سران اصلاح‌طلبان

یک سایت حامی دولت تصریح کرد در ماجرای معرفی نامزدهای تصدی شهرداری تهران، به دستور سران اصلاحات و برای حذف رقبا، از گزینه‌های فیک «دروغین» استفاده شده است.

«انتخاب» با اشاره به اینکه «اعضای شورای شهر تهران پس از ارائه برنامه چهار گزینه شهرداری تهران، آخوندی ۱۶ رای، پیروز حناچی ۱۱ رای، تقوی‌نژاد ۱۰ رای و انصاری ۳ رای کسب کردند و در جلسه روز سه‌شنبه از میان این حناچی و آخوندی، یک نفر به‌عنوان شهردار تهران انتخاب خواهد شد»، نوشت: سران اصلاحات که پشت پرده رای‌گیری‌های شورا هستند، از اعضای حزب اتحاد که همزمان عضو شورا هستند خواسته‌اند با رای دادن به چهره‌های «فیک»، مانع رای‌آوری چهره‌های دیگر شوند. بر این اساس، ابتدا با رای دادن به ۴ گزینه حزب اتحاد (آخوندی، حناچی، انصاری، کشت‌پور» مانع حضور چهره‌هایی چون محسن هاشمی در لیست ۵ نفره شدند و در انتخاب اخیر نیز، با رای دادن به آخوندی در کنار گزینه فیک دیگر خود (حناچی) بازی انتخاب شهرداری تهران را با روش ادوار پیشین خود به اتمام رساندند.

این اتفاق البته در دور پیشین توسط حزب اعتماد ملی انجام شده بود و آنان نیز با آوردن گزینه‌های فیکی چون مکارم، رقبا را از صحنه حذف کردند و افشانی بازنشسته را بر کرسی شهرداری نشاندند.

در همین حال برخی رسانه‌ها در خبری به نقل از مقام آگاه در دولت، مدعی شدند روحانی با شهردار شدن آخوندی مخالف است.

اصلاح‌طلبان دوباره دومینوی رسوایی و شکست را به حرکت درآورده‌اند

یک کانال تلگرامی اصلاح‌طلب تصریح کرد روند شکست اصلاح‌طلبان مجددا از شورای شهر کلید خورده است.

کانال فردای ایران می‌نویسد: سال ۱۳۷۷ از عبدالله نوری و عطریانفر و جمیله کدیور گرفته تا سعید حجاریان و ابراهیم اصغرزاده و حکیمی‌پور به شورای شهر تهران رفتند. نتایج شورای اول تهران یک پیروزی مطلق برای اصلاح‌طلبان شد و البته از اینجا بود که به جای فتح سنگر به سنگر، شکست‌های قدم به قدم آغاز شد.

شورای شهر تهران در مجادله کارگزارانی‌ها به رهبری عبدالله نوری و مشارکتی‌ها به لیدری سعید حجاریان به دنبال شهردار جایگزین کرباسچی بودند و پس از کش‌وقوس‌های فراوان به مرتضی الویری رسیدند. الویری اما هیچ‌گاه جانشین شایسته‌ای برای کرباسچی نشد و در این ناتوانی به کناری رفت. پس از او نیز ملک مدنی با قامتی کوچک بر این صندلی بزرگ تکیه زد و گرچه در تاریخ سیاسی دیگر دیده نشد اما با اشتباهات فاحش خود تاریخ‌ساز شد و به همین راحتی شورای اول پس از ۳ سال با درگیری‌های اعضا و شهردارش منحل شد.

نتایج درگیری‌ها به زودی خود را نشان داد. انتخابات شورای دوم در سال ۸۱ اولین فتح اصولگرایان شد که به شهردار شدن محمود احمدی‌نژاد انجامید و پس از آن انتخابات مجلس هفتم و در نهایت ریاست‌جمهوری ۱۳۸۴ شکست‌های مفتضحانه‌ای برای اصلاح‌طلبان بود که منشأ آن چیزی جز منفعت‌طلبی شخصی و عدم مدیریت صحیح در شورای شهر اول نبود. واینگونه بود که کشتی اصلاح‌طلبان به گل نشست. این کانال با اشاره به ترکیب شورای شهر پنجم می‌نویسد: تیم یکدست امید بر شورای پنجم نشست به امید اینکه تدبیری امیدوارکننده برای شهر بیندیشد. این بار به جای «عبدالله نوری، محسن هاشمی بود و به جای سعید حجاریان، مرتضی الویری.» اما مثل آن زمان که دعوای مشارکتی‌ها/کارگزارانی‌ها برای انتخاب شهردار بالا بود این بار هم جنگ ائتلاف اتحادی‌ها - اعتماد ملی‌ها در برابر کارگزارانی‌ها به قوت خود باقی بود. گویی پس از ۲۰ سال باز هم در بر همان پاشنه لنگانی می‌چرخید که پاشنه آشیل اصلاح‌طلبان شده بود!

انتخاب محمدعلی نجفی، چَک اول کارگزاران بود که مثل روال این سالهای نجفی با افتضاح به استعفا انجامید و البته چک دوم را این بار ائتلاف اعتماد ملی- اتحاد به کارگزاران زد با انتخاب محمدعلی افشانی برای شهرداری تهران. گویی این چک‌ها بیشتر بر صورت مردم می‌نشست که پس از دولت حالا باید جنگ فرسایشی احزاب چپ را در شورا مشاهده کنند آن‌هم با نیروهای دسته دومشان.

وای که چه بد روزگاری! آن زمان که نیروهای درجه یک در شورای شهر به میان آمدند، آن سرنوشت سیاه نوشته شد و حالا درجه دوها همان استراتژی تکراری جنگ احزاب را به راه انداختند و قطعا نتیجه اشتباه و کار تکراری از پیش مشخص است. امروز ائتلاف لیست ۳۰ نفره شورا برای انتخاب سومین شهردار در حدود یک‌سال کاری شورای پنجم گویای همه‌چیز است؛ شعارهای ۷۶، رنگی خاکستری و شکلی بدلی به خود گرفته است؛ گردش نخبگان را در وجود فرزندان وزرای اسبق اصلاحات، شایسته‌سالاری را در حضور معاونین و وزرای اخراجی دولت نامید، مدیران متخصص را در سهم‌های گرفته شده احزاب از کاندیدا و اعتقاد به آرمان‌های اصلاحات را در استانداران قالیبافی اصلاح‌طلب شده می‌توان دید.

گویی تجربه تاریخی، درسی برای چپ‌ها نشده است و آنانی که از تاریخ درس نمی‌گیرند شکست‌شان حتمی است. تیر آخر چپ‌ها اگر به هدف ننشیند باید منتظر نتایج تکراری تاریخ بود؛ انتخابات مجلس۹۸، ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ و ادامه دومینوی شکست‌وار چپ‌ها.

کاهش ۶۰ درصدی تولید مسکن شاهکار وزارت آخوندی

ارگان شهرداری تهران با اشاره ضمنی به کوتاهی‌های وزارت راه و شهرسازی نوشت؛ تولید مسکن در سال ۹۶ با کمبود ۶۰ درصدی روبرو بوده است. در حالی‌که بنابر آمار رسمی دولت، قیمت مسکن در یک سال گذشته حداقل ۷۳ درصد افزایش داشته، روزنامه همشهری در گزارشی می‌نویسد: در سالی‌که گذشت فقط ۴۰۲ هزار واحد مسکونی تکمیل و به بازار عرضه شد؛ اما برآوردها نشان می‌دهد برای تامین نیاز بازار باید سالانه یک میلیون واحد مسکونی ساخته شود.کمبود ۶۰ درصدی تولید مسکن، دولت را در تامین نیاز مسکن شهروندان در سال‌های آینده با چالش مواجه می‌سازد. تشویق سرمایه‌گذاری در بخش مسکن به یک ضرورت تبدیل شده و دولت مصمم است سرمایه‌گذاران را به ساخت‌وساز در مناطق شهری با بافت فرسوده سوق دهد.

گفت و شنود

مرغ!

گفت: ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه گفته است ترامپ به ما اجازه داده که در برجام بمانیم!

گفتم: اجازه داده یا ماموریت داده در برجام بمانید که امتیازات نقد ایران باقی بماند و وعده‌های نسیه شما به سر خرمن موکول شود؟!

گفت: آقای رئیس‌جمهور همان شب که ترامپ از برجام خارج شد گفت چند هفته به اروپا مهلت می‌دهیم که ساز و کار جبرانی بدهد و بعد گفتند دو هفته مهلت می‌دهیم و بعد در ۱۳ شهریور امسال آقای عراقچی گفت اگر اروپا تا ۱۳ آبان ساز و کار جبرانی را ارائه نکند دیگر فایده‌ای نخواهد داشت!

گفتم: حالا که اروپا هیچ کاری نکرده است چی؟!

گفت: آقای عراقچی می‌گوید البته انجام این کار از سوی اروپا به چند ماه زمان احتیاج دارد!

گفتم: طرف را برای شام دعوت کرده بودند ولی هرچه نشست از غذا خبری نشد. بعد از چند ساعت صاحبخانه گفت؛ مرغ هست، اگر غذا میل دارید بگویم تخم کند!

نکته

آقای ظریف متوجه هستید که... ؟!

دیروز آقای ظریف در مصاحبه با یک سایت خبری و در دفاع از پیوستن ایران به گروه اقدام مالی FATF گفت: پولشویی در کشور ما یک واقعیت است و کسانی که هزاران میلیارد تومان پولشویی می‌کنند به راحتی ده‌ها میلیارد هم برای مخالفت با پولشویی هزینه می‌کنند! ایشان در بخش دیگری از مصاحبه خود بدون آنکه از هیچ شخصیت حقیقی یا حقوقی نام ببرد ادعا کرد که آنها فقط در یک قلم ۳۰ هزار میلیارد تومان پولشویی کرده‌اند! اظهارات آقای ظریف بلافاصله با عنوان «در ایران پولشویی گسترده انجام می‌شود»! به تیتر اول خبرگزاری‌های آمریکایی و اروپایی و سایت‌های خبری ضدانقلاب تبدیل شد. درباره اظهارات دیروز آقای ظریف اشاره به چند نکته و مطالبه پاسخ ایشان ضروری است؛

۱- جناب ظریف! چرا دقیقا هنگامی که آمریکا و اروپا برای تصویب لوایح چهارگانه FATF در کشورمان یقه چاک می‌دهند و فشار می‌آورند، جنابعالی ایران اسلامی را به پولشویی گسترده متهم می‌کنید؟! جنابعالی در حالی که آمریکا اصرار داشت با ترساندن ملت از سایه جنگ اهداف خود را به ایران تحمیل کند، فرموده بودید آمریکا با یک بمب می‌تواند تمام تاسیسات نظامی ما را نابود کند! و با این اظهارنظر خود، آن‌هم از جایگاه وزیر امور خارجه به کمک آمریکا در تهدید نظامی علیه مردم وطنتان رفته بودید و نمونه‌های دیگری از این دست که تاکنون از جانب شما بی‌پاسخ مانده است!

۲- فرموده‌اید در ایران هزاران میلیارد تومان پولشویی می‌شود و کسانی یا کسی در یک قلم ۳۰ هزار میلیارد تومان پولشویی کرده است! خب! چرا این پولشویان – به قول خودتان- صدها هزار میلیاردی را به مردم و مخصوصا به مراجع قضایی معرفی نمی‌کنید؟! اگر ادعایتان واقعیت دارد، خودداری شما از معرفی آنان خیانت به ملت و نظام و همدستی با پولشویان است! نیست؟!

۳- ممکن است بفرمایید که خودداری شما از معرفی کلان‌پولشویان به علت ترس از آنهاست! در این صورت وقتی جنابعالی از پولشویان در داخل کشور می‌ترسید چه تضمینی هست که در انجام ماموریت خود در وزارت خارجه از کمترین تهدید دشمنان وحشت نکنید و منافع ملت و کشورتان را در پی این وحشت و ترس، بر باد ندهید؟!

۴- این چه دولتی است که در سیستم بانکی آن هزاران میلیارد پولشویی صورت می‌پذیرد و این سیستم بانکی توان کشف آن را ندارد و برای مقابله با آن باید به بیگانگان متوسل شود (پذیرش FATF)! آیا این اظهارنظر جنابعالی تخریب دولت و اعتراف به ناکارآمدی آن نیست؟! دولتی که خود یکی از اعضای اصلی آن هستید؟!

۵- آقای رئیس‌جمهور بارها اعلام کرده است که همه توان دولت را برای مقابله با مفسدان اقتصادی که پولشویی یکی از مصادیق آن است به کار می‌گیرد. آیا به رئیس‌جمهور اعتماد ندارید که عوامل هزاران میلیارد پولشویی را به ایشان معرفی نمی‌کنید؟! اگر به رئیس‌جمهور اعتماد ندارید در کابینه ایشان چه می‌کنید و اگر اعتماد دارید چرا پولشویان را معرفی نمی‌کنید؟!

**۶- از چهار لایحه FATF، لایحه موسوم به مقابله با تامین مالی تروریسم CFT که اصلی‌ترین آنهاست از سوی شورای نگهبان رد شده است. همان لایحه‌ای که جنابعالی اصرار فراوانی بر تصویب آن داشتید. اکنون جای این سؤال است که آیا اظهارات نسنجیده جنابعالی متهم کردن جمهوری اسلامی ایران به پولش